

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه معارف اسلامی

رساله کارشناسی ارشد

گروه: مدرسی معارف اسلامی

گرایش: آشنایی با منابع اسلامی

عنوان:

شرایط فقهی و اجتماعی اشتغال زنان (در خارج از

خانه) از منظر قرآن و حدیث

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد فاکر میدی

نگارش:

لیلا اکرادلو

۱۳۹۴

کلیه حقوق این پایان نامه اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و...
برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلا مانع است.

تقدیم به:

این اثر را به سید ساجدین، علی بن الحسین السجاد (ع) تقدیم می‌نمایم و

از خداوند بلند مرتبه می‌خواهم این قلیل را بپذیرد.

تشکر:

در اینجا لازم است تشکر و تقدیر خود را از استاد ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین استاد فاکر میبدی داشته باشم که با صبر و حوصله در نوشتن این پایان نامه بنده را یاری نموده‌اند و تشکر فراوان از همسر مهربانم که در انجام این رساله کمک فراوانی به من داشتند.

چکیده

از دیرباز در میان زنان این علاقه وجود داشته است که در کنار نقش همسر داری و فرزند پروری اشتغال دیگری نیز داشته باشند که با نظرات متفاوتی همراه بوده است؛ در این میان برخی اصرار می‌ورزند که زن پرده نشین بماند و صرفاً به نقش همسر داری و فرزند پروری بپردازد و حق هیچ‌گونه اشتغالی نداشته باشد. و در مقابل گروهی نیز معتقدند که این دیدگاه یک خود خواهی مرد گونه است که با هر دلیل و دستاویزی سعی در مهجور کردن زن دارند و بر این عقیده هستند که زن باید پایه پای مردان در جامعه حضور مستقیم داشته باشد و این گروه از افراد، این موضوع را به عنوان حق حتمی و قطعی زن در اجتماع می‌دانند.

در این میان آنچه مهم و حایز اهمیت می‌باشد نظر قرآن و روایات است و باید مشخص شود از دیدگاه کتاب آسمانی و معصومین(ع) در مرحله اول آیا زن می‌تواند خارج از خانه کار کند و در مرحله دوم این شغل او باید دارای چه شرایط و ویژگی‌هایی باشد که با محقق شدن آن ویژگی‌ها، زن بتواند خارج از خانه کار کند. و در نظرات معصومین(ع) منع مطلق نسبت به اشتغال زن در جامعه وجود ندارد.

و نکته دیگری که پرداختن به آن ضروری است بیان این نکته است که شغل زن از کدام یک از اقسام شرعی و دینی شغل‌ها می‌باشد؛ اگر از شغل‌های واجب است که منعی از آن شغل نیست و اگر از موارد غیر حرام است که رضایت همسر در آن شرط است با تفصیلاتی که دارد، بیان شد. در زمان معصومین(ع) زنانی حضور داشته‌اند که در کنار نقش همسر بودن و مادر بودن، شغل دیگری نیز در جامعه داشته‌اند که با بررسی ادله روایی، این نتیجه به دست می‌آید که زن می‌تواند علاوه بر نقش همسر داری و فرزند پروری در اجتماع به شغل دیگری نیز بپردازد البته مادامی که لطمه‌ای به نهاد مقدس خانواده وارد نشود و هم چنین به نقش همسر بودن وی در خانه لطمه وارد نشود.

واژگان کلیدی

اشتغال زن، خانه داری، حقوق مرد، حقوق زن، خانواده

فهرست مطالب

۱ - فصل یکم: کلیات	۱
۱ - ۱. تبیین مسئله	۲
۱ - ۲. پیشینه موضوع	۳
۱ - ۳. مفهوم‌شناسی	۳
۲ - فصل دوم: شرایط فقهی اشتغال زن بیرون از خانه	۸
۲ - ۱. نوشتار یکم: ترسیم موضوع از نگاه فقه و حقوق	۹
۲ - ۱ - ۱. زن از دیدگاه حقوقی	۱۲
۲ - ۱ - ۲. رابطه حقوق و فقه	۱۳
۲ - ۱ - ۲ - ۱. از جهت موضوع و قلمرو	۱۳
۲ - ۱ - ۲ - ۲. از جهت ماهیت حکم	۱۳
۲ - ۱ - ۲ - ۳. از جهت ضمانت اجرا	۱۳
۲ - ۱ - ۳. مهم‌ترین موارد حقوق زن	۱۳
۲ - ۱ - ۳ - ۱. حقوق خانواده	۱۳
۲ - ۱ - ۳ - ۲. حقوق قضایی	۱۴
۲ - ۱ - ۳ - ۳. حقوق سیاسی	۱۴
۲ - ۱ - ۳ - ۴. حقوق اقتصادی	۱۴
۲ - ۱ - ۳ - ۵. حقوق فردی و اجتماعی	۱۴
۲ - ۱ - ۳ - ۶. کار در فرهنگ و لغات قرآن	۱۴
۲ - ۱ - ۴. اشتغال زن از دیدگاه فقهاء	۱۵
۲ - ۱ - ۴ - ۱. دیدگاه اول: اشتراط همیشگی خروج زن به اذن شوهر	۱۵
۲ - ۱ - ۴ - ۲. دیدگاه دوم: اشتراط خروج زن به اذن شوهر در صورت تنافی با حق استمتاع او	۱۵
۲ - ۲. نوشتار دوم: ادله قرآنی	۱۶
۲ - ۳. نوشتار سوم: ادله روائی	۲۷
۲ - ۳ - ۱. تحلیل آیات و روایات	۳۵
۲ - ۳ - ۲. کار در سنت و روایات	۳۷

۳. فصل سوم: حکم رضایت همسر با شغل زن ۴۱
- ۳ - ۱. توضیح کلمه اذن در علم فقه..... ۴۲
- ۳ - ۱ - ۱. نوشتار اول: ترسیم موضوع از نگاه اجتماع..... ۴۲
- ۳ - ۱ - ۲. نوشتار دوم: ادله قرآنی..... ۴۵
- ۳ - ۱ - ۳. نوشتار سوم: ادله روایی..... ۴۶
- ۳ - ۱ - ۴. نوشتار چهارم: تحلیل آیات و روایات..... ۴۹
۴. فصل چهارم: شرایط اجتماعی اشتغال زن بیرون از منزل ۵۴
- ۴ - ۱. نوشتار اول: ترسیم موضوع از نگاه اجتماع..... ۵۵
- ۴ - ۱ - ۱. اشتغال زنان در جامعه..... ۵۵
- ۴ - ۱ - ۱ - ۱. شرایط فرهنگی و اجتماعی..... ۵۵
- ۴ - ۱ - ۱ - ۲. تحصیلات..... ۵۵
- ۴ - ۱ - ۱ - ۳. تأمین نیازهای مادی..... ۵۶
- ۴ - ۱ - ۱ - ۴. کسب منزلت اجتماعی..... ۵۶
- ۴ - ۱ - ۱ - ۵. افزایش اوقات فراغت..... ۵۷
- ۴ - ۱ - ۲. آثار مثبت اشتغال زنان..... ۵۷
- ۴ - ۱ - ۲ - ۱. بهره مندی جامعه از توان و تخصص زن..... ۵۷
- ۴ - ۱ - ۲ - ۲. ارتقاء سطح فرهنگی خانواده..... ۵۷
- ۴ - ۱ - ۲ - ۳. افزایش رفاه خانواده..... ۵۷
- ۴ - ۱ - ۲ - ۴. بهبود موقعیت فرزندان..... ۵۷
- ۴ - ۱ - ۳. اثرات منفی اشتغال زنان..... ۵۸
- ۴ - ۱ - ۳ - ۱. کاهش ارتباط با اعضا خانواده..... ۵۸
- ۴ - ۱ - ۳ - ۲. مشکلات عاطفی و تحصیلی فرزندان..... ۵۸
- ۴ - ۱ - ۳ - ۳. خستگی به واسطه کار مضاعف خانه و خارج از منزل..... ۵۸
- ۴ - ۱ - ۳ - ۴. نارضایتی شوهر..... ۵۸
- ۴ - ۱ - ۳ - ۵. کاهش نرخ باروری..... ۵۹
- ۴ - ۲. نوشتار دوم: دیدگاه جامعه..... ۵۹
- ۴ - ۲ - ۱. آثار مثبت اشتغال زن..... ۶۰
- ۴ - ۲ - ۱ - ۱. کمک به اقتصاد خانواده..... ۶۰

- ۴ - ۲ - ۱. پاسخ به نیازهای نیمی از جمعیت جامعه ۶۱
- ۴ - ۲ - ۲. آثار منفی اشتغال زن ۶۲
- ۴ - ۲ - ۲. تقویت روحیه مردان در زنان ۶۲
- ۴ - ۲ - ۲. آزار جسمی ۶۲
- ۴ - ۲ - ۲. کاهش ارتباط عاطفی با شوهر ۶۲
- ۴ - ۲ - ۲. افزایش در صد طلاق ۶۳
- ۴ - ۲ - ۲. کم رنگ شدن نقش و جایگاه پدر در بین فرزندان ۶۳
- ۴ - ۲ - ۳. آثار اجتماعی اشتغال زن در بعد اقتصادی ۶۳
- ۴ - ۲ - ۳. توسعه و رفاه اجتماعی ۶۳
- ۴ - ۲ - ۳. افزایش بیکاری ۶۴
- ۴ - ۲ - ۳. کاهش جمعیت ۶۵
- ۴ - ۲ - ۳. افزایش آسیب‌های اجتماعی ۶۵
- ۴ - ۲ - ۴. توسعه مشاغل جایگزین خانواده ۶۶
- ۴ - ۲ - ۵. افزایش قدرت رقابت سرمایه داران در عرصه جهانی ۶۶
- ۴ - ۲ - ۶. تحول در ساختارهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی ۶۶
- ۴ - ۲ - ۷. زنان و اشتغال ۶۸
- ۴ - ۲ - ۸. برخوردهای دوگانه با اشتغال زنان ۶۹
- ۴ - ۲ - ۸. اسلام و اشتغال زنان ۷۰
- ۴ - ۲ - ۸. زنان و خانه داری ۷۱
- ۴ - ۲ - ۸. انگیزه‌های اشتغال ۷۲
- ۴ - ۲ - ۸ - ۳. انگیزه اقتصادی ۷۲
- ۴ - ۲ - ۸ - ۳. استقلال طلبی ۷۲
- ۴ - ۲ - ۸ - ۳. کسب منزلت اجتماعی ۷۲
- ۴ - ۲ - ۹. زنان در بازار کار ۷۳
- ۴ - ۲ - ۱۰. آثار و عوارض اشتغال زنان ۷۴
- ۴ - ۲ - ۱۱. همسران و اشتغال زنان ۷۴
- ۴ - ۲ - ۱۲. آثار مثبت اشتغال مادران بر فرزندان ۷۴
- ۴ - ۲ - ۱۳. بهترین زمان اشتغال ۷۵

۷۵	۴ - ۲ - ۱۴. آمار اشتغال زنان در ایران.....
۷۶	۴ - ۳. نوشتار سوم: نگاه قرآن.....
۷۸	۴ - ۴. نوشتار چهارم: نگاه روائی.....
۷۹	۴ - ۵. نوشتار پنجم: تحلیل آیات و روایات.....
۸۱	۵. فصل پنجم: نتیجه و جمع بندی.....
۸۲	۵ - ۱. راه کارهایی برای زنان شاغل.....
۸۲	۵ - ۲. رعایت تناسب بین شغل و شاغل.....
۸۴	۵ - ۲ - ۱. ضروریات زندگی.....
۸۴	۵ - ۲ - ۲. فعل واجبات.....
۸۵	۵ - ۲ - ۳. خروج از منزل برای دفع عسر و حرج.....
۸۵	۵ - ۲ - ۴. شرط خروج در ضمن عقد.....
۸۵	۵ - ۲ - ۵. نهی زوج از باب اضرار.....
۸۵	۵ - ۲ - ۶. سخن آخر.....
۸۷	منابع.....
۹۰	نمایه.....

۱. فصل یکم:

کلیات

۱-۱. تبیین مسئله

کوچک‌ترین جزء اجتماع در نگاه دینی و اجتماعی خانواده است که این نهاد کوچک دارای اهمیت بسیار است؛ تا اندازه‌ای که اگر خانواده‌ای راه صحیح را بپیماید سرنوشت آن جامعه به تبع حرکت درست خانواده سعادت‌مندانه خواهد بود

در این کوچک‌ترین نهاد جامعه یعنی خانواده آن چه که از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است نقش مادر و همسر این خانواده است؛ به این صورت که اگر در خانواده‌ای، همسر و مادر آن خانواده نقش خود را بشناسد و اهمیت جایگاه خود را بداند و آن نقش را به خوبی ایفاء کند به طور حتم و قطع آن خانواده، خانواده‌ای است که به سمت و سوی اصلی و فطری خود حرکت می‌نماید.

در مقابل اگر در خانواده‌ای متد زندگی لیبرال و غرب‌گرا حکم فرما باشد و هم چنین خود محوری در خانواده جای‌گزين خانواده محوری شود به طور قطع وضعیت چنین نگرشی، مواجه شدن با یک خانواده بی‌سامان غربی می‌شود که در آن احساسات و عواطف اعضای خانواده نسبت به یکدیگر کم‌رنگ می‌شود و اعضای خانواده منافع شخصی را بر منافع خانواده ترجیح می‌دهند.

آنچه در این مقام مهم است نقش محوری مادر و همسر است و اگر گفته شود که مادر و همسر است که فرزندان و همسر را تربیت می‌کند و رشد می‌دهد سخن‌گزافی بیان نشده است؛ چه این که اساس و پایه خانواده بر مهربانی و عطف است و همان‌طور که ناگفته پیداست زن مظهر مهربانی و عطف است و مدیریت عاطفی خانواده بر عهده مادر و همسر خانواده است. حضور زن در خانه به عنوان همسر و مادر و در یک کلام به عنوان قوی‌ترین بعد عاطفی در خانواده نباید مانع حضور او در جامعه به عنوان یک فرد شاغل گردد؛ در واقع همان‌گونه که نسبت به خانواده و اعضای خانواده مسئول است، نسبت به جامعه‌ای که خود نیز عضوی از آن جامعه است نیز مسئول است.

به این معنا که با توجه به این که نیمی از پیکره جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و این گروه از افراد جامعه نیازها و خواسته‌هایی دارند که اگر خودشان به پاسخ‌گویی به این نیازها و خواسته‌ها پردازند بسیار مفیدتر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود از این که کسانی که هم از لحاظ جنسیت با این قشر متفاوت هستند و هم این که چون نیازها و خواسته‌های ایشان را به درستی درک نخواهند نمود به طور قطع پاسخ‌درستی به نیازها و خواسته‌های زنان نخواهند گفت.

۱ - ۲. پیشینه موضوع

موضوع اشتغال زن در مباحث فقهی در باب نکاح در همه دوران میان فقهاء مورد بحث و گفتگو بوده است و همچنین در کتاب مکاسب و در علم حقوق نیز به صراحت از این موضوع سخن به میان آمده است و همچنین کتاب‌ها و مقالات فراوانی در این باره نوشته شده است که می‌توان به عنوان نمونه به این موارد اشاره کرد:

- اشتغال زن از دیدگاه قرآن و حدیث نویسنده: عزت بیگدلی

- زن اشتغال و مالکیت نویسنده مرضیه روشن فر

- تحول در سمت و موقعیت شغل زن پروین شهلاپور

- زن مسلمان پرده نشین سهیلا جلالی کندری

- اشتغال زن در خانواده لیلا اسدی

- تأثیر اشتغال زن بر خانواده محمد ولی کیان مهر

- اشتغال زنان؛ پیامدها و راهکارها فاطمه عطارد

نکته‌ای که درباره پیشینه اشتغال زن مطرح است و باید مورد توجه قرار بگیرد این است که در پژوهش‌ها گاهی نگاه حقوقی نسبت به جنسیت زن شده است و گاهی نگاه فمینیستی که نباید به عنوان پیشینه مطرح شود و به طور کلی به این موضوع فراوان پرداخته شده است ولیکن در این رساله تلاش شده است تا با نگاهی جزئی‌تر به اشتغال زن در خارج از خانه از منظر قرآن و حدیث پرداخته شود.

و همچنین به صورت جداگانه به شرایط فقهی و اجتماعی اشتغال زن پرداخته شده است

۱ - ۳. مفهوم‌شناسی

- فقه

واژه فقه در فرهنگ نامه‌های فارسی این چنین معنا شده است:

در یافتن و در اصطلاح فقه علمی است که از فروع عملی احکام شرع بحث می‌کند و مقصود از آن تحصیل ملکه اقتدار بر اجراء اعمال شرعی است. مبنای این علم براستنباط احکام از کتاب و سنت است.^۱

در باره واژه فقه در لغت چنین آمده است: الفِقه: العلم فی الدین.^۲ و همچنین درباره واژه فقه

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه.

۲. خلیل بن احمد، کتاب العین.

می نویسد، الفقه: العلم بالشیء و الفهم له^۱ و:

آنچه از این بررسی به دست می آید این است که فقه به معنای درک و فهم است. و راغب اصفهانی درباره کلمه فقه می نویسد:

الفقه: "هو التوصل إلى علم غائب بعلم شاهد، فهو أخص من العلم"

فقه: از علمی شهودی و حسّی به علمی غائب و نامحسوس رسیدن است. و در ادامه توضیح می دهد که: واژه فقه اخصّ از علم است، در آیاتی مانند:

"فَمَا لَهُؤَلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا" این قوم را چه شده است که نمی خواهند سخنی را [درست] دریابند؟^۲ و لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ "ولی شما نمی فهمید."^۳

و ماده فقه (ف ق ه) دلالت بر ادراک شیء و علم به آن دارد. علم به هر چیز، فقه به آن چیز و فهم به آن است که به خاطر شرافت و فضیلت علم دین بر سایر علوم است. واژه فقه بر علم دین اطلاق شده است، چنان که واژه - نجم - به ثریا یعنی ستاره پروین، و نیز - فقه - فطانت و زیرکی است، در مثل می گویند: خیر الفقه ما حضرت به و شرّ الرأى الدّبرى - یعنی بهترین اندیشه آن است که حضور ذهن باشد و بدترین رأى آن است که بعد از فوت وقت در ذهن بیاید. فقه، علم به احکام شریعت است.

فَقَّهَ الرَّجُلُ فَقَاهَةً: وقتی است که شخصی فقیه شود و همچنین فقهه: فقه را فهمید. فقهه: او را فهماند.

تَفَقَّهَ: وقتی است که کسی فقه را بخواند و دنبال کند و در آن تخصص یابد، در آیه: لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...

«و مؤمنین همگی شان نمی توان ند برای آموختن علم دین سفر کنند پس چرا از هر گروهی طایفه ای سفر نکنند تا در دین، دانش اندوزند و فقیه شوند و پس از بازگشت قوم خویش را انداز کنند بسا که از بدیها و گناهان بر حذر شوند».^۴

و ابو منصور ازهری می گوید. مردی از بنی کلاب در حالی که چیزی را برایم وصف می کرد

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب.

۲. نساء (۴): ۷۸.

۳. منافقون (۶۳): ۷.

۴. علی بن اسماعیل ابن سیده، المحکم و المحيط الاعظم، ج ۴، ص ۹۲؛ احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغه، ج ۴، ص ۴۴۲.

۵. توبه (۹): ۱۶۶.

همین که از سخن گفتن فارغ شد، قال لی افقهت؟ یرید افهمت: به من گفت آیا فقه نمودی یعنی فهمیدی چه گفتیم؟ و من دانستم که فقه همان فهم است. وقتی گفته می‌شود: "اوتی فلان فقها فی الدین ای فهما فیه" یعنی به او فهم در دین داده شد، و پیامبر اکرم (ص) در باره ابن عباس دعا فرمود که: «اللهم علّمه الدین و فقهه التأویل ای فهمه تأویله. یعنی خدایا علم دین و تأویل قرآن را به او بفهمان و او در زمان خودش اعلم بود. ابن انباری می‌گوید: رجل فقیه یعنی عالم است، و هر عالم به چیزی، فقیه به آن است و فقیه العرب عالم العرب است.^۱

در نهج البلاغه، حضرت علی (ع) ضمن نامه‌ای به امام حسن (ع) چنین فرموده است: و تفقه فی الدین و عود نفسک الصبر علی المکروه و نعم الخلق التصبر فی الحق... . فرزندم، در دین تفقه کن و جانت را به بردباری در برابر دوری از ناپسندها عادت بده.^۲

«فقه» در لسان قرآن کریم و روایات اسلامی، مفهومی گسترده دارد و عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستورهای اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد، ولی به تدریج، در اصطلاح علما، به خصوص فقها، فقط به «فقه الاحکام» اختصاص یافته است و امروزه از کلمه «فقه» فقط مسائل عملی اسلام از واجب و حرام و مانند آن‌ها به نظر می‌آید. توضیح این که علمای اسلام با الهام از برخی روایات، تعالیم اسلامی را به سه بخش «عقاید»، «اخلاق» و «احکام و قوانین عملی» تقسیم کرده‌اند. ایشان کلمه «فقه» را فقط در مورد «احکام و قوانین عملی اسلام» به کار برده‌اند؛ شاید به این دلیل که در صدر اسلام، مسائل عملی بیش‌تر مورد توجه و پرسش مردم بوده است. از این رو، کسانی که در این گونه مسائل تخصص دارند به عنوان «فقیه» شناخته می‌شوند.

و در اینجا لازم است که به تعریف «علم فقه» به عنوان اصطلاح پرداخته شود. در تعریف «فقه» به معنای خاص گفته‌اند: «الْفِقْهُ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرَعِيَّةِ عَنِ ادِّتِّهَا التَّفْصِيلِيَّةِ» فقه، عبارت از علم به احکام فرعی شریعت از روی (منابع و) دلایل تفصیلی آن است.^۳ عبارت «الاحکام الشرعیة» در تعریف مزبور، احکام عقلی از قبیل فلسفه و مانند آن، کلمه «الفرعیة» اصول دین و مسائل اعتقادی اسلام و جمله «عن ادلتها التفصیلیة» علم غیر مجتهد را از

۱. ابومنصور ازهری، تهذیب اللغة، ج ۵، ص ۴۰۵.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. جعفر بن حسن حلی، شرایع الاسلام.

محدوده «فقه» خارج می‌کند. از این رو، «مقلد» را نمی‌توان «فقیه» نامید، اگر چه به همه فتاوی مجتهد خود عالم باشد؛ زیرا علم او از روی دلیل نیست، بلکه از روی تقلید است. معنای اصطلاحی فقه: فقه در اصطلاح، آگاهی عمیق به احکام فرعی و عملی اسلام است که از ادله چهارگانه، استنباط و استخراج می‌شود.^۱ و به صاحب این آگاهی «فقیه» اطلاق می‌گردد.

- اجتماع

معنای واژه اجتماع در لغت نامه دهخدا چنین آمده است:

اجتماع: گرد آمدن. تجمع. اجماع. (زوزنی). تالیف. ائتلاف. اجتماع شدن. فراهم آمدن اتفاق کردن بر چیزی.

اجتماع از باب افتعال است و ثلاثی مجرد آن جمع است و راغب اصفهانی در کتاب مفردات در باره جمع گفته است که: جَمْعٌ یعنی نزدیک نمودن و پیوستن بعضی از چیزی به بعضی دیگر آن می‌گویند: جَمَعْتُهُ فَاجْتَمَعَ (جمعش کردم و جمع شد)

اجتماع شامل یک گروهی از انسانها است که با هدف مشترک (زندگی) در مکان معین گرد هم می‌آیند که در این اجتماع انسان‌ها هم برای رسیدن به هدف فردی خود و هم برای رسیدن به هدف اجتماعی مانند ایجاد دولت‌ها و شوراها تلاش می‌کنند.

از منظر جامعه‌شناسی، اجتماع به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که دارای پیوندهای قوی و بادوامی هستند و نیز گاهی اوقات مکان جغرافیایی مشترکی دارند. همچنین اعضای آن در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت منظمی دارند. افراد این گروه هویت یابی قوی با گروه دارند.

- اشتغال

این واژه از باب افتعال و به معنای پذیرش و مطاوعه است و ثلاثی مجرد آن شغل است و راغب اصفهانی در کتاب مفردات گفته است:

الشُّغْلُ و الشُّغْلُ: حالت و عارضه‌ای که انسان را از دیگر چیزها غافل می‌سازد و فراموش می‌دهد (نقطه مقابل آن فراغت است که همه چیز به یاد می‌آید).

و در قرآن کریم واژه شغل استعمال شده است مانند: (فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ ترجمه: بهشتیان در سرگرمی‌ها شیرین‌کامند)^۲.

واژه «اشتغال» در زبان فارسی به معنای «به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن، به

۱. زین‌الدین بن شهید ثانی، معالم الاصول، ص ۲۲.

۲. یس (۳۶): ۵۵.

کاری سرگرم شدن»^۱، و «پرداختن به کاری، سرگرم شدن، سرگرمی و گرفتاری است»^۲. و در اصطلاح عبارت است از: «کار می توان د به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می سازد. شغل یا پیشه کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می شود. کار در همه فرهنگ ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند»^۳

«کار یکی از عوامل عمده تولید و متشکل است از اعمال قوه فکری یا دستی که در برابر آن مزد، حقوق، معاش یا حق الزحمه کسب و کار گرفته می شود. در گفتگوی روزانه این اصطلاح بیشتر به معنای محدودتر یعنی کارهای دستی یا به طور کلی کارهای کارگران دستی به کار می رود. در نظریه اقتصادی، کوشش انسانی یا فعالیتی است که در جهت تولید هدایت می شود. به عنوان یک عامل تولید کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت جدا می شود و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به معنای دیگر کار، کلیه افرادی را در بر می گیرد که برای زیستن کار می کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت بر می گردد که شامل «جمعیت قابل اشتغال و بالای یک سن معین است»^۴. «کار یکی از عوامل تولید که در بر گیرنده تمامی فعالیت های اقتصادی انسان اعم از فکری، یدی، تخصصی و غیرتخصصی برای تولید ثروت می شود»^۵.

اشتغال به کار معمولاً وضعیتی است که توسط مراجع و مراکز آماری و اقتصادی هر کشور با ذکر ویژگی های معین تعریف می شود. مثلاً مرکز آمار ایران شاغل را چنین تعریف کرده: «کلیه جمعیت ده ساله و بیشتر که در هفت روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری به کاری اشتغال داشته اند... و در این مدت [به طور متوسط] روزی هشت ساعت یا بیشتر کار کرده اند؛ شاغل محسوب می شوند»^۶. بنابراین در اصطلاح متعارف اشتغال به کارهای تمام وقت، دارای مزد و عمدتاً بیرون از خانه اطلاق می شود.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۲، ص ۲۲۲۶.

۲. محمد معین، فرهنگ لغت معین، ۶ جلدی، ص ۲۸۰.

۳. آنتونی گیدنز، تجدید الیتمقراطیه الاجتماعیه، ص ۵۱۷.

۴. محمد معین، فرهنگ لغت معین، ص ۶۵۲.

۵. سیاوش مریدی، فرهنگ اقتصادی، ص ۵۷۴.

۶. همان، ص ۵۲.

۲. فصل دوم: شرایط فقهی اشتغال زن بیرون از خانه

۲- ۱. نوشتار یکم: ترسیم موضوع از نگاه فقه و حقوق

در علم فقه به موضوع شرایط فقهی اشتغال زن بیرون از خانه در ابوابی مانند نکاح و بیع سخن به میان آمده است که در این فصل به بخشی از شغل‌ها اشاره می‌شود. در کتاب نکاح در باب حقوق زوجین، و در باب بیع نیز در بخش مکاسب محرمه با توضیحی که خواهد آمد در مورد این موضوع بحث شده است.

به عنوان نمونه کتاب بیع در باب متاجر در بخش غش معامله در مورد کار زن بیان می‌کند که: و تدلیس الماشطه بإظهارها فی المرأة محاسن لیست فیها، من تحمیر وجهها، و وصل شعرها، و نحوه، و مثله فعل المرأة له من غیر ماشطه، و لو انتفی التدلیس کما لو کانت مزوجه فلا تحریم. در توضیح این عبارت فقهی روشن می‌شود که اگر زن آرایش گر در کار خود تدلیس^۱ کند کار حرامی انجام داده است. در اینجا فقه در مورد شغل زن نظر می‌دهد و هم چنین مشخص می‌سازد که این شغل همراه بایدها و نبایدها است؛ به این معنا که فقه با اصل موضوع که اشتغال زن است مخالف نیست ولی در باره شروط و احکام آن نظر می‌دهد. با این توضیح که این شغل نباید منافات با حقوق واجب همسر داشته باشد و اینکه شغل حرامی نباشد و...

و در کتاب نکاح باب نشوز آمده است که:

لکل واحد من الزوجین حق علی صاحبه یجب علیه القیام به و إن کان حق الزوج أعظم، و من حقه علیها أن تطیعه و لا تعصیه و لا تخرج من بیتها إلا بإذنه و لو إلى أهلها حتی لعیادة والدها أو فی عزائه، بل ورد أن لیس لها أمر مع زوجها فی صدقة و لا هبة و لا نذر فی مالها إلا بإذنه إلا فی حج أو زکاة أو بر والديها أو صلة قرابته^۲

در توضیح عبارت فقهی باید خاطر نشان کرد که هر یک از زوجین بر طرف دیگر حقی دارند که قیام به آن واجب است اگر چه حق زوج اعظم است. و از حق او بر زن این است که او را اطاعت کند و معصیت او را ننماید و از خانه‌اش بدون اذن او بیرون نرود و لو اینکه نزد اهل خودش برود، حتی اگر برای عیادت پدر یا در عزای پدرش باشد؛ بلکه وارد شده است که در صدقه و هبه و نذر در مال خودش، حق امری با وجود شوهرش ندارد مگر اینکه با اذن شوهر باشد، البته در حج یا زکات یا نیکی به والدین یا صله خویشانش تابع امر او نمی‌باشد و تفصیل این موارد به محل خودش موکول می‌شود.

۱. تدلیس به معنای فریب دادن است.

۲. روح الله موسوی خمینی، *تحریر الوسيلة*، ج ۲، ص ۳۰۳.

و در علم فقه بحث می‌شود که اگر کاری برای زن واجب باشد چه حکمی دارد. در جواب گفته شده است که اگر کاری که زن به آن اشتغال دارد بر او واجب باشد، برای خروج از منزل لازم نیست از شوهرش اجازه بگیرد و بدون اجازه او می‌تواند به کار خود ادامه دهد. امام خمینی (ره) در پاسخ این پرسش که شرکت زنها در مسائل اجتماعی مثل عضویت در سپاه پاسداران و... چه حکمی دارد و اگر به حدّ وجوب برسد با نهی شوهر چگونه می‌شود فرمود: موارد، مختلف است و به حسب حال اشخاص هم ممکن است فرق کند و اگر در موردی به موجب اقتضای ضرورت، واجب شد نهی شوهر مانع نیست.^۱ نیز در پاسخ این پرسش که آیا شوهر می‌تواند مانع خروج همسر پزشک خود که متخصص زنان و زایمان است بشود؟ فرمود: خروج زن از منزل برای غیر واجبات، منوط به اجازه شوهر است و در موردی که معالجه بیمار در بیرون، بر پزشک زن واجب شود شوهر او حقّ ممانعت او را ندارد.^۲ در اینجا لازم است که برای کسب‌ها (شغل‌ها) تقسیم بندی ارائه شود تا موضوع روشن شود که در ادامه به آن اشاره می‌شود:^۳

اقسام مواردی که اکتساب از طریق آن حرام است (ذکر موارد که به اشتغال زن مرتبط است):

۱. آلات محرّمه.

۲. اعمال حرام.

۳. مزد گرفتن برای انجام کار واجب شرعی.

مصادیق هریک از اکتساب حرام به شرح زیر است:

- آلات حرام:

مانند طبل، عود، زمر، مجسمه، بت، آلات قمار مانند نرد و شطرنج. و در این موارد فرقی بین زن و مرد وجود ندارد و اگر هر کدام از زن و مرد به استفاده و یا اشتغال با این آلات محرّمه بپردازند کار حرامی مرتکب شده‌اند.

در مورد این قسم لازم به ذکر است که اگر جواز کسب مغنیه ثابت باشد باید این موضوع مطرح شود که زن نمی‌تواند در اشتغال خود از این آلات استفاده کند لذا این مورد در اشتغال زن مهم است که دانسته شود.

۱. ابومنصور ازهری، تهذیب اللغه، ج ۳، ص ۳۴۶.

۲. همان.

۳. جعفر بن حسن حلی، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، ج ۱، ص ۱۱۷.